

اهمیت سنجش مقایسه‌ای در ارتقای آموزش

و اسپانیولی در سال ۲۰۱۱ میلادی انجام شد. آن سنجش، با استفاده از آزمون‌های منطبق با سطوح توانشی چارچوب مشترک زبانی اتحادیه اروپا^۱، در دو سطح توانشی کاربر زبان پایه و کاربر زبان مستقل^۲ در سه مهارت گوش دادن، خواندن و نوشتن انجام شد. انتخاب دو سطح به این دلیل بود که احتمال می‌رفت دانش‌آموزان در بعضی از کشورهای مورد مطالعه با توجه به سن شروع زبان‌آموزی و عوامل دیگر سطح مورد انتظار (کاربر زبان مستقل) را کسب نکرده باشند. در نظرسنجی مذکور از پرسش‌نامه استفاده شد تا از آن طریق اطلاعات لازم درخصوص عوامل جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی نیز به‌عنوان عوامل مؤثر بر توانش زبان خارجی استخراج شود.

نتایج نشان داد که سطح توانش زبانی در کشورهای مورد مطالعه کمتر از حد انتظار است، چرا که فقط ۴۲ درصد از دانش‌آموزان در زبان خارجی اول (عموماً زبان انگلیسی) و ۲۵ درصد در زبان خارجی دوم سطح «کاربر مستقل» را کسب کرده بودند. درخصوص موفقیت بیشتر دانش‌آموزان در زبان خارجی اول، یعنی ۴۲ درصد مقابل ۲۵ درصد این‌گونه استدلال شده است که زبان انگلیسی عموماً به‌عنوان زبان اول خارجی اجباری است، در حالی که زبان خارجی دوم اختیاری می‌باشد. به علاوه در زبان انگلیسی دسترسی به زبان از طریق رسانه‌های سنتی و جدید بیشتر است. نتایج نظرسنجی نیز این نکته را تأیید می‌کند؛ چرا که دانش‌آموزان نیز خود بر این عقیده بودند که به زبان انگلیسی بیشتر دسترسی دارند و این زبان را مفیدتر و یادگیری آن را ساده‌تر ارزیابی می‌کردند. نتیجه قابل توجه دیگر آن بود که دامنه تفاوت‌ها در توانش زبانی دانش‌آموزان در کشورهای مورد مطالعه بسیار زیاد است. به‌عنوان مثال سطح توانشی کاربر زبان مستقل از ۸۲ درصد در مالتا و سوئد (زبان انگلیسی) تا ۱۳ درصد در فرانسه (زبان انگلیسی)، و ۹ درصد در انگلستان

در دهه‌های اخیر نقش و اهمیت سنجش مقایسه‌ای در ارتقای آموزش بیش از پیش آشکار شده است. سومین مطالعه بین‌المللی روند آموزش ریاضیات و علوم^۱ معروف به «تیمز» نمونه خوبی از این نوع مطالعات است که در سال ۱۹۹۵ در پنج پایه تحصیلی (پایه‌های سوم، چهارم، هفتم، هشتم و پایه آخر دوره متوسطه) در بیش از ۴۰ کشور جهان برگزار شد. در آن مطالعه ریاضیات و علوم مورد سنجش قرار گرفت و اطلاعات وسیعی از دانش‌آموزان، معلمان و مدیران جمع‌آوری شد؛ علاوه بر اینکه برنامه درسی کشورها نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج مطالعه که در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ میلادی منتشر گردید مورد استفاده سیاست‌گذاران و مجریان در کشورهای مورد مطالعه واقع شد.^۲ اما در درس زبان خارجی هم مطالعه مشابهی انجام شده است که ما در این شماره اطلاعات مربوط به آن را با استفاده از گزارش اجمالی نتایج اولین نظرسنجی اروپایی در مورد توانش‌های زبانی^۳ به خوانندگان محترم ارائه می‌کنیم، به این امید که آگاهی از چگونگی انجام مطالعه و نتایج آن ما را در ارزیابی آموزش زبان خارجی در کشورمان یاری دهد. کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۵ میلادی رویکردی راهبردی را در نظرسنجی و سنجش توانش زبانی دانش‌آموزان کشورهای عضو، با هدف فراهم کردن داده‌های قابل استفاده در زمینه سطح کسب شده در توانش زبان خارجی و تجربه‌های موفق زبان‌آموزی، اتخاذ کرد. به همین منظور با عقد قرارداد با هشت سازمان تخصصی در زمینه‌های سنجش زبان، طراحی پرسش‌نامه، نمونه‌گیری، فرایندهای ترجمه و روان‌سنجی، اولین گام را در طراحی و اجرای نظرسنجی و سنجش زبانی برداشت. مطالعه در ۱۷ کشور عضو اتحادیه اروپا با نمونه‌ای متشکل از ۵۴۰۰۰ دانش‌آموز سال آخر متوسطه اول در دو زبان خارجی اول و دوم از بین زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی

در گرو دسترسی به داده‌های معتبر پژوهشی است.

پی‌نوشت‌ها

1. TIMSS (Third International Mathematics and Science Study), 1995.
2. IFA (International Association for the Evaluation of Education Achievement), <https://www.lea.nl>.
3. First European Survey on Language Competences: Executive Summary (June 2010), retrieved from: www.surveylang.org.
4. CEFR (Common European Framework of Reference)
5. Basic user (levels A₁ and A₂) and independent user (levels B₁ and B₂)

(زبان فرانسه) متغیر است. در گزارش نتایج به این نکته اشاره شده بود که تأثیر نظام آموزشی تنها دلیل موفقیت محسوب نمی‌شود چرا که در سوئد که ۸۲ درصد دانش‌آموزان در زبان خارجی اول (زبان انگلیسی) به سطح کاربر مستقل رسیده‌اند، درصد دانش‌آموزان این سطح در زبان خارجی دوم (ایتالیایی) در این کشور تنها ۴ درصد است. با توجه به گستردگی عوامل دخیل در موفقیت دانش‌آموزان، مقایسه کشورهای به آسانی صورت نمی‌گیرد. نتایج پرسش‌نامه نشان می‌داد که زبان‌آموزان زبان‌آموزی را در دوره ابتدایی و حتی قبل از آن آغاز می‌کنند و غالباً دو زبان را به‌طور همزمان می‌آموزند. اینک، با استفاده از نتایج نظرسنجی، می‌توانیم به نکات جالب توجه زیر اشاره کنیم:

بین توانش زبانی و میزان آشنایی والدین با زبان خارجی، میزان دسترسی زبان از طریق رسانه‌های سنتی و جدید و همچنین میزان استفاده دانش‌آموز از زبان خارجی در کلاس درس همبستگی مثبت وجود دارد. بر این اساس می‌توانیم نتیجه بگیریم که اگر آموزش‌های پیش از خدمت و حین خدمت معلمان به استفاده بیشتر آن‌ها از زبان خارجی در کلاس درس بینجامد می‌تواند به بهبود کیفیت زبان‌آموزی کمک کند. با توجه به تجربه به دست آمده از طریق این

مطالعه، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش لزوماً به سطوح مورد انتظار نمی‌رسد و تنها از طریق سنجش کسب سطوح توانشی است که ما می‌توانیم از میزان موفقیت آموزش‌هایمان باخبر شویم. با استفاده از نظرسنجی نیز این امکان فراهم می‌شود که

عوامل دخیل در کسب توانش‌های قصد شده شناسایی شوند. با این نتیجه لازم است بر این نکته تأکید شود که هرگونه تلاش در جهت ارتقای کیفیت آموزش

